



Original Article

Abuse of Contractual Rights In Contract Performance Phase

Ramin Sharifi Mahalleh¹, Abbas Karimi² , Zeinolabedin Taghavi³

ABSTRACT

The enforcement of the rights arising from the contract must be done in a normal form. Deviation from the normal form of applying the contractual right is considered as a fault and leads to the abuse of the contractual right. Despite the effort to prevent the abuse of contractual right and provide legal solutions and measures to guarantee strong sanctions, the recurrence of the abuse of the contractual right is inevitable, because it depends on the attitude of the beneficiary. If he wants to abuse the right created by the concluded contract and exceeds the scope of the right, the abuse of the contractual right will undoubtedly occur with no escape. Contracts such as "Contracts with Imposition Conditions", "Contracts with Liquidated Damages", and "Contracts Affected by Changing Conditions", "Contracts of Adhesion" and "Consumer Contracts" are potentially abusive in private law. The existence of sanctions such as "Contract Adjustment", "Contract Termination", "Compensation" and "Contract Annulment" in the contract and laws is a principal factor in preventing the abuse of contractual rights during the contract performance phase. This study indicates four criteria to abuse contractual rights which some of them are accepted by most of the countries including: 1- the intention to harm, 2- the criterion of goodwill in contract performance, 3- the criterion of violating the social purposes of rights, 4- the criterion of fault in contract performance.

KeyWords: Contractual Rights †Abuse of Right †Contracts Prone to Abuse †Sanction.

How to Cite: Sharifi Mahalleh, Ramin, Karimi, Abbas, Taghavi, Zeinolabedin, " Abuse of Contractual Rights In Contract Performance Phase", Legal Research, Vol. 27, No. 105, 2024, pp: 21-36.

DOI: <https://doi.org/10.52547/jlr.2022.220984.1863>

Received: 05/03/2021-Accepted: 12/10/2021

1. PhD Candidate, Faculty of Humanities, Islamic Azad University: Sari Branch, Sari, Iran
2. Professor of Law, Faculty of Law & Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
Corresponding Author Email: abkarimi@ut.ac.ir
3. PhD. Faculty of Law & Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



سوءاستفاده از حقوق قراردادی در مرحله اجرای قرارداد

رامین شریفی محله^۱، عباس کریمی^۲، زین العابدین تقوی^۳

چکیده

اجرای حقوق ناشی از قرارداد باید به شکل متعارف آن انجام پذیرد و خروج از شکل متعارف اجرای حق قراردادی، تقصیر محسوب می‌شود و منجر به سوءاستفاده از حق قراردادی می‌گردد. هرچقدر کوشش شود تا جلوی سوءاستفاده از حق قراردادی گرفته و راهکارها و تدابیر قانونی و ضمانت اجراهای قوی و سنگین ارائه شود، باز هم وقوع سوءاستفاده از حقوق قراردادی محتمل است؛ زیرا این امر بسته به نگرش صاحب حق و ذی‌حق در مورد استفاده از حق خویش دارد. اگر او بخواهد از حق ایجادشده از قرارداد منعقد با دیگران سوءاستفاده کند و از محدوده حق تجاوز کند، بدون شک سوءاستفاده از حق قراردادی به وقوع خواهد پیوست و گریزی از آن نخواهد بود. قراردادهایی از جمله «قراردادهای متضمن شروط تحمیلی»، «قراردادهای متضمن وجه التزام»، «قراردادهای متأثر از تغییر اوضاع واحوال»، «قراردادهای الحاقی» و «قراردادهای مصرف» در حقوق خصوصی به صورت بالقوه قابلیت سوءاستفاده دارند. وجود ضمانت اجرایی نظیر «تعدیل قرارداد» «فسخ قرارداد» «جبران خسارت» و «بطلان قرارداد» در قرارداد و قوانین، عامل اساسی در پیشگیری از وقوع سوءاستفاده از حقوق قراردادی در مرحله اجرای قرارداد است. نتایج پژوهش حاکی از وجود چهار معیار برای سوءاستفاده از حقوق قراردادی است که در اغلب کشورها نیز یکی یا دو مورد از این معیارها به‌عنوان سوءاستفاده از حقوق قراردادی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند که این معیارها عبارت‌اند از: ۱- معیار قصد اضرار، ۲- معیار حسن‌نیت در اجرای قراردادها، ۳- معیار تجاوز به هدف و غایت اجتماعی حقوق، ۴- معیار تقصیر در اجرای حق.

کلید واژگان: حقوق قراردادی، سوءاستفاده از حق، قراردادهای مستعد سوء استفاده، ضمانت اجرا.

استناد به این مقاله: شریفی محله، رامین، کریمی، عباس، تقوی، زین‌العابدین، «سوءاستفاده از حقوق قراردادی در مرحله اجرای قرارداد»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۵، اردیبهشت ۱۴۰۳، صص: ۲۱-۳۶.

DOI: <https://doi.org/10.52547/jlr.2022.220984.1863>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد ساری، ساری، ایران
۲. استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
ایمیل نویسنده مسئول: abkarimi@ut.ac.ir
۳. دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

گسترش زنجیره‌ای از روابط حقوقی میان اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی و نیاز به رفع نیازهای مادی، حقوقی و غیره باعث شکل‌گیری طیف گسترده‌ای از عقود و قراردادهای شده است. در محدوده حقوق قراردادهای با دو نوع حقوق شخصی روبه‌رو هستیم که هر دو قسم حقوق مزبور می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در نوع اول با یک نوع حق شخصی قانونی رو به رو باشیم که تحت عنوان حق انعقاد قرارداد قابل توصیف است و در قسم دوم حقوق شخصی ناشی از قرارداد جای می‌گیرند که تحت نام حقوق قراردادی شناخته می‌شوند^۱ و از آنجا که اصولاً قرارداد محصول ارادی طرفین آن تلقی می‌شود و برخورد اراده‌های آزاد و نفع متضاد موجب ایجاد رعایت عدالت و انصاف در قرارداد می‌شود، می‌توان مدعی بود که عدالت همان قراردادی است که اطراف آن منعقد می‌کنند. این برداشت، قرارداد به معنای سنتی را به ذهن متبادر می‌کند.^۲

در منابع فقهی نزدیک‌ترین قاعده به منع سوءاستفاده از حق، قاعده لاضرر است. اما به‌طور کلی مفهوم لاضرر عام‌تر از منع سوءاستفاده از حق است. این اصطلاح در حقوق اروپایی و در کشورهای رومی ژرمنی تأسیس شده است. در کامن‌لو بر طبق نظری که هم‌اکنون در انگلیس و آمریکا غلبه دارد، صاحب حق می‌تواند به هر صورت و با هر اندیشه‌ای تا جایی که از حدود قانون و مفاد اختیار خود تجاوز نکند، حق را به کار برد.^۳ در نتیجه بسیاری از موارد سوءاستفاده قبل از انعقاد قرارداد در قالب سوءاستفاده از حق قراردادی متصور نیست.

منشأ و اساس بسیاری از احکام حقوق ایران ریشه در فقه اسلامی دارد و فقه اسلام به‌خصوص فقه شیعه به واسطه اتصال به وحی الهی و سنت پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) و با نظر به وجود اجتهاد در فقه شیعه دارای جامع‌ترین و کامل‌ترین احکام حقوقی است. در زمینه سوءاستفاده از حقوق قراردادی حقوق اسلامی دارای پیشینه روشن تاریخی است؛ به‌نحوی که پانزده قرن پیش وقتی سمره‌بن جندب از حق مالکیت خود بر نخلی سوءاستفاده می‌کرد پیامبر(ص) با وضع قاعده «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» هرگونه ضرر حتی ضرر ناشی از اعمال حق را ممنوع کردند. بنابراین سوءاستفاده از حق که یکی از مصادیق ضرر است در آغاز پیدایش اسلام منع گردید.

اصل آزادی قراردادی در حقوق ما مورد پذیرش واقع شده است، لکن محدودیت‌های وارده بر اصل آزادی قراردادی در قوانین، عبارت‌اند از قوانین امری، نظم عمومی و اخلاق حسنه. به‌غیر از این موارد و براساس اصل آزادی قراردادی، افراد در انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد آزادند و هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور به انعقاد قرارداد کرد و هرکسی آزادی کامل در انتخاب طرف عقد خود دارد. اختیار انعقاد قرارداد با اشخاص در نظام حقوقی ما یک حق تصریح شده و شناخته شده است.^۴

بنابر ماده ۲۲۰ ق.م.ت.ع باید آنچه تعهد به انجام دادن آن نموده اجرا کند و ذی‌حق نیز می‌تواند در حیطة عرفی و هدفی که از درج حق در قرارداد است، آن را اعمال نماید. در واقع در اغلب سیستم‌های حقوقی، حسن‌نیت در اجرای قرارداد و تعهد به‌عنوان یک ضمانت اخلاقی، حقوقی محترم شمرده شده است. اما در حقوق ایران مانند حقوق انگلستان، حسن‌نیت به‌عنوان یک قاعده کلی که طرفین را به رعایت صداقت و اخلاص در معامله ملزم کند پذیرفته نشده است. این‌رو نمی‌توان

^۱ Karimi Abbas, "Les Clauses Abusive et la Controle de Desequilibre Contractuel Par le Droit Commun de Contrats" vol. 1 *Journal of Law and Politics*, Graduate School of Law & Political Science, Azad University of Tehran, Iran. 1386, p 6.

^۲ نبوی زاده، *سوء استفاده از حق در حقوق قراردادی*، عباس کریمی (مقدمه)، چاپ اول، جنگل، جاودانه ۱۳۹۰، ص ۹۵.

^۳ کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی اعمال حقوقی، قرارداد و ایقاع، دوره مقدماتی حقوق مدنی*، چاپ دوازدهم، انتشارات میزان، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳.

^۴ نبوی زاده، منبع پیشین، ص ۱۱.

رفتار طرفین قراردادی را براساس اصل حسن نیت سنجید و ارزیابی کرد.^۱ در واقع اجرای حقوق ناشی از قرارداد باید به شکل متعارف آن انجام پذیرد و خروج از شکل متعارف اجرای حق قراردادی تقصیر محسوب و منجر به سوءاستفاده از حق قراردادی می‌شود. با توجه به مطالب فوق این پژوهش درصدد بررسی سوءاستفاده از حقوق قراردادی در مرحله اجرای قرارداد است.

پیشینه پژوهش

پیرامون بحث «سوءاستفاده از حقوق قراردادی در مرحله اجرای قرارداد» کتاب، مقاله یا پایان‌نامه جامع و مستقلی که شامل زیرمجموعه‌های موضوعی موجود در این پژوهش باشد، به رشته تحریر نیامده است. اگرچه با مراجعه به کتابخانه‌های موجود، برخی جوانب و ابعاد، مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است؛ اما مشخص شد که بیشتر تحقیقات به سوءاستفاده از حق در معنای عام آن و کمتر به بررسی موارد سوءاستفاده از حق قراردادی پرداخته‌اند؛ مقالاتی هم که در این زمینه به رشته تحریر در آمده است یا در زمینه سوءاستفاده از حق است یا اینکه بیشتر تک‌بعدی و با توجه به تنوع و گستردگی وجوه و جنبه‌های مختلف موضوع مذکور است. بسیاری از وجوه دست‌نخورده و بکر باقی مانده است که این پژوهش کوشیده در حد توانایی‌های اندک نگارنده به این هدف نایل آید و گامی هرچند کوچک در این راستا بردارد.

فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد معیار سوءاستفاده از حقوق قراردادی تقصیر در اجرای حق است؛ بدین معنی که صاحب حق با خروج از محدوده متعارف و حیطة حق از آن سوءاستفاده کند و منجر به ایجاد خسارت برای طرف مقابل شود.

مسئولیت و مبانی

مسئولیت از نظر لغوی به معنای مؤاخذه و بازخواست است و در اصطلاح نیز بدان معناست که هر شخصی باید پاسخگوی آثار و نتایج اعمال خود باشد. یکی از حقوقدانان در تعریف خود از مسئولیت می‌گویند: مسئولیت عبارت از تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری است که به دیگری وارد کرده است؛ خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی یا ناشی از فعالیت او شده باشد.^۲

۴. مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی

۴.۱. **مسئولیت قراردادی:** متعاقبین با این انگیزه مبادرت به انعقاد قرارداد می‌کنند که با اجرای عقد به اهداف موردنظر از انعقاد آن دست یابند. اصل بر حسن نیت در قرارداد است؛ این‌رو مسئولیت قراردادی که یکی از وسایل تضمین نیروی اجبارکننده قراردادهاست، یکی از اقسام مسئولیت مدنی به معنای عام به شمار می‌رود. مسئولیت قراردادی ناشی از عهدشکنی و نقض قرارداد و در این نوع مسئولیت عهدشکنی معیار تمیز تقصیر است. مسئولیت قراردادی مسئولیت کسی است که در عقودی از عقود (اعم از معین و غیر معین) تعهدی را بپذیرد و به علت عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام دادن تعهد یا در حین انجام دادن تعهد یا به سبب انجام، خسارتی به متعهدله وارد کند. به بیان دیگر مسئولیت قراردادی التزام

^۱ اصغری آقشهیدی، فخرالدین وحمیدرضا ابوی، «حسن نیت در انعقاد قرارداد در حقوق انگلیس و ایران»، *مجله حقوق خصوصی*، ۱۳۸۷، شماره ۱۲، ص ۴۱.

^۲ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مجموعه محشی قانون مدنی*، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷.

به جبران ضررهای وارده در نتیجه عدم اجرای قرارداد توسط متعهد است^۱

۴.۲. مسئولیت غیر قراردادی (قهری): مسئولیت قهری و خارج از قرارداد که در فقه به ضمان قهری مشهور است، زمانی مطرح می‌شود که قراردادی بین افراد وجود نداشته باشد و بر اثر نقض وظیفه قانونی، زبانی به کسی برسد. بنابراین مبنای این مسئولیت سرپیچی و تخلف از تعهدات قانونی است.

به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت مفهوم تقصیر در دو نظام مسئولیت (قراردادی و غیرقراردادی) و سایر تفاوت‌های بین این دو نظام ایجاب می‌کند که دو نظام مسئولیت از یکدیگر مجزا شوند؛ همچنان که بسیاری از اساتید محترم حقوق بر این اعتقادند. البته نباید فراموش کرد قواعد مشترک زیادی بین این دو نظام وجود دارد.

۴.۳. مبنای سوءاستفاده از حق قراردادی؛ مسئولیت قراردادی یا قهری؟

گفته شد مسئولیت قراردادی ناشی از عهدشکنی و نقض قرارداد بوده است؛ درحالی‌که مسئولیت مدنی ناشی از تجاوز از قانون است. البته بدیهی است سوءاستفاده از حق در قرارداد و برهم‌زدن تعادل و توازن عوضین قرارداد نقض قرارداد محسوب می‌شود؛ چراکه اطراف آن در حالتی عادی و متعارف هرگز حاضر به انعقاد قراردادی که متضمن سوءاستفاده فاحش از حق است نمی‌شوند. بنابراین، سوءاستفاده و تقصیر در اجرای حق که رنگ سوءاستفاده و تجاوز از حق به خود می‌گیرد، ممکن است عهدشکنی و نقض قرارداد محسوب شود. ولی به نظر می‌رسد سوءاستفاده از حق قراردادی، مسئولیت قراردادی به شمار آید؛ چراکه با توجه به پیشینه سوءاستفاده از حق و همچنین مبنای آن در مسئولیت مدنی به معنای خاص مطرح شده است و از طرفی دکترین نیز آن را در این حوزه بررسی می‌کنند. اگرچه سوءاستفاده از حق را نمی‌توان صرفاً مبتنی بر تقصیر نمود، ولی با این حال به نظر می‌رسد سوءاستفاده کننده از حق که به‌طور آشکاری از حق خود تجاوز می‌کند، حق قراردادی ندارد که آن را نقض قرارداد محسوب کنیم. بنابراین چنین شخصی متجاوز به قانون به شمار می‌رود و بدیهی است که تجاوز به قانون مبنای قراردادی نمی‌تواند داشته باشد و یک مسئولیت غیرقراردادی است.

آثار مسئولیت مدنی

در صورتی که تمام شرایط و ارکان مسئولیت مدنی جمع باشد زیان دیده حق پیدا می‌کند که جبران خسارتی را که به او وارد شده است، بخواهد. عامل ورود زیان نیز ملزم می‌شود تا ضرری را که به بار آورده جبران کند. جبران زیان هدف مشترک و کلی مسئولیت مدنی است. شیوه اجرایی آن ممکن است بازگرداندن وضع به حال پیشین باشد یا دادن پول یا مجازات بدنی و شخصی خطاکار.^۲ بنابراین اصلی‌ترین اثر مسئولیت مدنی جبران خسارت است.

جبران خسارت؛

۱-۲. اعاده وضع به صورت پیشین (جبران عینی)؛

۲-۲. جبران بدلی.

سوءاستفاده از حق و جبران خسارت

در زمینه جبران خسارت به‌عنوان ضمانت اجرای سوءاستفاده از حق، در حقوق ما قاعده لاضرر حاکم است. قاعده لاضرر اقتضا دارد که همه زیان‌ها و خسارات وارده جبران شود، بنابراین چنانچه از سوءاستفاده از حق ضرری مادی و یا معنوی

^۱ کاتوزیان، ناصر، «تفسیر قرارداد»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان ۱۳۸۴، صص ۳۳-۳۴.

^۲ کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، تهران: میزان، ۱۳۸۶، ص ۳۵۷.

متوجه کسی شود «قاعده لاضرر» که زیربنا و منبع «نظریه سوءاستفاده از حق» در حقوق ماست، ایجاب می‌کند زیانی جبران نشده باقی نماند. به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی که اشعار می‌دارد: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...»، دادگاه می‌تواند متناسب با هر مورد به جبران خسارت رأی دهد.

بطلان قرارداد در نتیجه سوءاستفاده از حق

بطلان قرارداد حالتی است که طرفین با وضعیتی روبه‌رو خواهند شد که گویی اصلاً هیچ‌گونه رابطه حقیقی با همدیگر نداشته‌اند. در زمینه آثار فرقی نمی‌کند مبنای بطلان معیوب بودن قصد و واقع نشدن تراضی باشد یا صورتی که قانون قرارداد را از اثر اندازد. بی‌گمان، از لحاظ نظری بین موردی که عقد به دلیل عدم تراضی یا نداشتن موضوع وجود خارجی نمی‌یابد و صورتی که قانون توافق دو اراده را خنثی می‌سازد تا از ناتوان یا مصلحت اجتماعی حمایت کند، تفاوت وجود دارد.^۱ بی‌تردید بطلان قرارداد با اصطلاحاتی همچون عدم نفوذ، قابلیت فسخ و حتی قابلیت ابطال تفاوت می‌کند. منتها متأسفانه در اثر بی‌توجهی به همین امر در بسیاری از موارد از جمله در قانون مدنی در مواد (۴۸۳، ۴۹۶، ۲۱۲ و ۲۱۳) قانون‌گذار با اختلاط بین مفاهیم بطلان با سایر مفاهیم از جمله انفساخ و عدم نفوذ و قابلیت ابطال بر ابهامات این موضوع افزوده است.

اوصاف یا مبانی بطلان

بطلان برخلاف سایر وضعیت‌های حقوقی از جمله وضعیت حقوقی عدم نفوذ، در نتیجه انتفای قصد طرفین و مخالفت با نظم عمومی و مصالح اجتماعی، عموماً جهت حمایت از ناتوان در قرارداد یا مصلحت اجتماعی است. شاید به دلیل همین مبانی و اوصاف بوده که حقوق برخی از کشورها آن را به دو دسته نسبی و مطلق تقسیم کرده و قراردادهایی را که مخالف با نظم عمومی و مصالح اجتماعی و منافی قصد طرفین بوده، به‌طور مطلق باطل و در سایر موارد از جمله عیوب اراده، قرارداد را باطل نسبی می‌دانند که برخلاف بطلان مطلق وجود و قوت قرارداد منوط به اراده ذی‌نفع بوده و تا زمانی که ذی‌نفع، اراده بر بطلان قرارداد نکند، قرارداد به وجود خویش ادامه می‌دهد.

۱. بطلان در نتیجه واقع نشدن تراضی و انتفای قصد؛

۲. بطلان در نتیجه تجاوز از قانون و مصلحت اجتماعی.

آثار بطلان

ماده ۳۶۵ قانون مدنی بر بی‌اثر بودن بیع فاسد تأکید دارد. در واقع بیع فاسد یکی از مصادیق بطلان عقد و قرارداد است. دارا شدن به موجب عقد باطل هیچ اثر حقوقی ندارد و همان‌طور که ماده ۳۶۶ قانون مدنی در مورد بیع فاسد که یکی از مصادیق عقد باطل است، اشعار می‌دارد؛ تکلیف به رد عین و ضمان از آثار قهری عقد باطل به شمار می‌رود. بدین ترتیب قانون‌گذار مقبوض به عقد باطل را در حکم غاصب و ضامن عین و منافع در صورت تلف می‌داند. البته ممکن است این شائبه حاصل شود که در غصب، غاصب به جهت اینکه بدون اذن، مال را در تسلط خویش دارد ضامن است و درحالی که در مقبوض به عقد باطل، طرفین با اذن یکدیگر مورد معامله را تحت سلطه دارند، پس به صرف اذن، نباید ضمانتی مستقر

^۱ کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، ص ۲۹۷.

شود. کما اینکه از ظاهر عبارت برخی از فقها به‌طور ضمنی استفاده می‌شود که تصرف در مال دیگری با اذن مالک ضمان‌آور نیست و از قاعده علی‌الید خارج است. البته اعاده وضع به حالت سابق تنها وسیله جبران خسارت نیست، بلکه هر یک از طرفین می‌توانند در صورتی که در اثر بطلان زیان‌های به آن وارد آمده آنها را از طرفی که این زیان‌ها ناشی از تقصیر وی است، مطالبه کند. البته باید متذکر شد که مطالبه جبران خسارت ناشی از بطلان از سوی کسی که بطلان عقد قابل انتساب به او باشد در صورتی امکان‌پذیر است که زیان‌دیده خودش مقصر نباشد.

۱. اثر بطلان نسبت به قرارداد؛

۲. اثر بطلان نسبت به بخشی از قرارداد؛

۳. آثار بطلان نسبت به متعاملین.

از بین بردن بعضی از آثار عمل همراه با سوءاستفاده از حق قراردادی

به‌هر حال قانون‌گذار هر قدر تلاش کند و مقررات و راهکار ارائه دهد و نظارت قضایی را گسترش دهد باز امکان سوءاستفاده از حق قراردادی وجود دارد و در عمل قانون‌گذار نمی‌تواند موارد سوءاستفاده از حق قراردادی را به‌طور کامل حذف کند. اما یکی از بهترین تدابیر لازم در جهت کاهش و جلوگیری از موارد سوءاستفاده از حق قراردادی از بین بردن آثار اعمال حق قراردادی است، بدین معنا که اگر چه شخص در اجرا و اعمال حق خویش تقصیر می‌کند، نتیجه موردنظر از آن تجاوز از حق حاصل نشود. این راهکار در عمل منجر به کاهش موارد سوءاستفاده از حق قراردادی می‌شود، زیرا صاحب حق درمی‌یابد حتی اگر از محدوده حق تجاوز کند هدف و مقصود وی محقق نخواهد شد. در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

از بین بردن بعضی از آثار عمل همراه با سوءاستفاده از حق قراردادی در عقد وکالت

همان‌گونه که در مصادیق با سوءاستفاده از حق قراردادی آمده است از حق عزل و استعفا در عقد وکالت ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرد؛ چراکه این عقد عقدی جایز است و مطابق ماده ۶۷۹ ق. م. موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند. موکل در استفاده از این حق دارای آزادی کامل است و نیاز به هیچ استدلالی ندارد. در همین ماده به استعفا به‌عنوان یکی از موارد انحلال عقد وکالت اشاره شده است که این حق یکی از حقوق وکیل به‌شمار می‌آید و براساس آن وکیل می‌تواند هر زمان که بخواهد از وکالت استعفا دهد، بدون اینکه هیچ مسئولیتی داشته باشد. اما در مورد وکالت در دادگستری صورت مسئله کمی متفاوت است. وکیل مکلف است دادگاه را از استعفای خود آگاه کند و این امر در ماده ۳۹ ق. آ. د. م. مورد اشاره قرار گرفته است. این ماده بیان می‌دارد: «در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌نماید که شخصاً یا توسط وکیل جدید دادرسی را تعقیب کند...». در نتیجه استعفای وکیل در وکالت دادگستری باید به اطلاع دادگاه برسد. از سوی دیگر موکل نیز می‌تواند علی‌الاصول در هر مقطع از مقاطع دادرسی و در هر مرحله وکیل خود را عزل کند. مطابق ماده ۳۷ ق. آ. د. م. اگر موکل وکیل خود را عزل کند، مراتب را باید به دادگاه وکیل معزول اطلاع دهد. اما بعد از بیان این مقدمه باید گفت دادگاه باید از عزل و استعفا آگاه شود تا خللی در روند دادرسی ایجاد نشود. در نتیجه اگر وکیل از حق استعفای خود در صدد سوءاستفاده از حق باشد یا موکل بخواهد از حق عزل خود سوءاستفاده کند و بدین سبب بخواهند جلسه دادگاه را تجدید کنند، این امر مقدور نیست؛ زیرا قانون‌گذار با پیش‌بینی ماده ۱۸ ق. آ. د. م. در پی بی‌اثر ساختن این سوءاستفاده و قصد و نیت وکیل و موکل بوده است.

از بین بردن بعضی از آثار عمل همراه با سوءاستفاده از حق قراردادی در اعمال حق طلاق

از موارد دیگری که قانون‌گذار تلاش کرده است از آثار سوءاستفاده از حق قراردادی بکاهد و آثار آنرا منتفی کند، د مورد سوءاستفاده از حق اعمال طلاق براساس ماده ۹۴۴ ق. م. است؛ همان‌گونه که بارها در این مقال بیان شد حق طلاق از اختیارات مرد است و وی می‌تواند با اخذ گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بعد از ارجاع به داوری از همسرش جدا شود، به‌رحال هنوز ارادهٔ مرد در طلاق همسرش حاکم است و اخذ گواهی عدم امکان سازش در عمل فقط ایجاد وقفه می‌کند و در صورتی که شوهر قصد جدی بر طلاق داشته باشد هیچ اثری ندارد.

از جمله مواردی که شوهر از این حق سوءاستفاده می‌کند دربارهٔ محروم کردن زوجه از ارث است که در ماده ۹۴۴ ق. م. مورد اشاره قرار گرفته است. این ماده بیان می‌دارد: «اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد زوجه او ارث می‌برد اگرچه طلاق بائن باشد مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده باشد». قانون‌گذار در این ماده سوءنیت شوهر را مفروض دانسته و فرض کرده مردی که مبتلا به مرضی است و در همین حال زن را طلاق می‌دهد سوءاستفاده از حق می‌نماید و قصدش این است در صورتی که از آن مرض فوت کند چیزی از اموالش به زوجه نرسد؛ قانون‌گذار با پیش‌بینی این امر این اثر را خنثی نموده است. به نظر ما هر چند مدت یک سال کوتاه به نظر می‌رسد، ولی نص این ماده با رویکرد بازدارندگی که دارد مورد تأیید است. به نظر ما از میان راهکارهایی که بررسی شد این راهکار اثر قوی‌تر و مؤثرتری دارد؛ زیرا در عمل وقتی که اثری بر اعمال حق، وقتی از محدودهٔ آن تجاوز شود بار نشود، اشخاص رغبتی بر تجاوز از حق ندارند؛ زیرا اثری بر آن مترتب نیست. این امر خود یک ضمانت‌اجرای مناسب در جهت کاهش موارد سوءاستفاده از حق قراردادی می‌باشد که لازم است در مورد سایر اعمال حقوق افراد نیز از سوی قانون‌گذار مدنظر قرار گیرد.

از جمله دیگر موارد مرتبط حق حبس است؛ مقید ساختن شروع نکاح به وصول کل مهریه و استناد به حق حبس غیرمعمول و تجاوز به حقوق خصوصی افراد به نظر می‌رسد و با اهداف قانون‌گذار در خصوص خانواده که همانا اعتلا و تحکیم آن است، سازگاری ندارد. تفسیر حق حبس به حق امتناع از تمکن جنسی زوجه در شرایطی که زوج در حال پرداخت اقساط مهریه است، حق حبس علاوه بر غیرعملی بودن، نوعی صحه‌گذاری بر لجبازی و سوءاستفاده از حق را به دنبال خواهد داشت.

راهکار تعدیل شروط وجه التزام

طرفین قرارداد می‌توانند به منظور تعیین پیشاپیش خسارت وارده بر اثر عدم اجرای تعهد، آن را در ضمن عقد یا حتی خارج از عقد اصلی توافق کنند که براساس آن چنانچه یکی از طرفین از انجام دادن تعهد سر باز زند، مبلغی به‌طور مقطوع به شخص زیان‌دیده بپردازد که به آن وجه التزام گویند. ولی در عمل ممکن است وجه التزام مندرج در قرارداد با واقعیت آنچه به عنوان خسارت باید پرداخت شود تناسب نداشته باشد؛ یعنی وجه التزام بسیار گزاف یا بسیار ناچیز در برابر خسارت واقعی خودنمایی کند. در این فرض ممکن است طرف قرارداد از حق به‌وجودآمده به سبب تعیین وجه التزام سوءاستفاده کند؛ زیرا نص ماده ۲۳۰ ق. م. بیان می‌دارد: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف مبلغی به‌عنوان خسارت تاخیر تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم نماید». براساس حکم ماده، این ماده به طرف منتفع از شرط وجه التزام قدرت نامحدودی اعطا می‌شود تا از این حق سوءاستفاده کند؛ خصوصاً در مواردی که تناسبی بین وجه التزام و مبلغ خسارت وارد شده وجود ندارد و این خود مصداق عینی

سوءاستفاده از حق قراردادی است. در نتیجه برای کاهش موارد سوءاستفاده از شرط وجه التزام استفاده از راهکار تعدیل شرط وجه التزام است و منظور از آن این است که دادگاه مشخصات، آثار قرارداد، خسارت و وجه التزام را با بقای اصل شرط و قرارداد تغییر دهد و آن را متناسب سازد.^۱ اما پذیرش این راهکار به سادگی امکان پذیر نیست، زیرا پذیرش تعدیل در توافقی که بین طرفین واقع شده است، منافی با اصل حاکمیت اراده در قراردادها است؛ از سوی دیگر رعایت احترام به اراده طرفین از سوی قانونگذار لازم و ضروری است و حتی الامکان باید از دخالت در قراردادها که به وسیله طرفین واقع شده است خودداری شود. اما بهر حال با توجه به سوءاستفاده‌هایی که از وجه التزام نامتناسب می‌شود، مصلحت اقتضای چنین دخالتی را توجیه پذیر می‌کند.^۲ اگرچه ماده ۲۳۰ ق. م. قاضی صراحتاً از تعدیل منع کرده است؛ با وجود این، نمی‌توان به طور مطلق دادرس را از مداخله در قرارداد ممنوع کرد، اگر مبنای ماده ۲۳۰ ق. م. را احترام به توافق طرفین دانست، احترام به این قرارداد در شرایطی است که طرفین در انعقاد قرارداد در شرایط یکسان و برابر باشند و ارکان صحت معامله نیز وجود داشته باشد؛ لذا در شرایطی که یکی از طرفین به جهت نابرابری اقتصادی، اضطرار، وجود انحصار و سایر موارد ملزم به پذیرش شروط وجه التزام خواه با مبلغ ناچیز و یا مبلغ گزاف باشد، و به جهت وجود همین شروط وجه التزام برای یکی از طرفین حق مطالبه ایجاد شود و وی بخواهد از این حق سوءاستفاده کند، نمی‌توان به استناد ماده ۲۳۰ ق. م. قرارداد را به موقع اجرا گذاشت. از سوی دیگر تجربه کشورهای دیگر از جمله فرانسه.^۳ در امکان تعدیل وجه التزام کمک می‌کند که با اصلاح قانون، تفسیر قانون توسط رویه قضایی به تعدیل وجه التزام‌های گزاف یا به غایت ناچیز جلوی سوءاستفاده از حق قراردادی گرفته شود. پس با استفاده از راهکار تعدیل شروط وجه التزام از ظالمانه بودن حقوق قراردادی کاست و به این وسیله عدالت را در قراردادها برقرار کرد، بدون اینکه به اصل شرط خللی وارد آید.

لازم به ذکر است یکی دیگر از حقوقدانان^۴ معتقد است، وجود شرط وجه التزام در قرارداد مانعی برای متعهدله در درخواست اجرای تعهد اصلی ایجاد نمی‌کند، اما نباید چنین تصور کرد که متعهد دارای این اختیار است که یا تعهد اصلی را اجرا و یا وجه التزام مورد توافق را بپردازد؛ چراکه اگر وجه التزام برای تحکیم قرارداد باشد و تضمین‌کننده تعهدات قراردادی، پس تا آنجایی که امکان انجام دادن تعهد اصلی وجود دارد، متعهد باید با درخواست متعهدله به انجام آن الزام شود و از طرف دیگر وجه التزام به منزله یک تعهد فرعی و تبعی ضمن عقد است. تعیین مبلغ مقطوع آن به نیروی الزام آور عقد صدمه نمی‌زند و همان‌طور که در رأی شعبه ۲۷ دادگاه حقوقی یک تهران از جمله یکی از مستندات حکم دادگاه ماده ۲۱۹ ق. م. بوده است، به موجب مفاد این ماده کلیه عقود میان متعاملین لازم‌الاتباع است، مگر در مواردی به حکم قانون فسخ و یا با توافق طرفین اقاله شود. بنابراین کلیه تعهدات پذیرفته شده و به موجب قرارداد لازم است؛ لذا همچنان که طلبکار «مشروطه‌له» نمی‌تواند بدهکار را در صورتی که آماده اجرای اصل تعهدات است، ملزم به پرداخت وجه التزام کند، بدهکار «مشروط علیه» نیز نمی‌تواند برای فرار از انجام دادن تعهد، طلبکار را مجبور به مطالبه وجه التزام کند. بدهکار «مشروط علیه» نیز نمی‌تواند برای فرار از انجام دادن تعهد، طلبکار را مجبور به مطالبه وجه التزام نماید. با وجود این، اگر از عبارت قرارداد و اوضاع و احوالی که آن را احاطه کرده است، یا از داوری عرف در معامله خاصی، چنین برآید که مقصود دو طرف این بوده که اجرای اصل تعهد یا پرداختن وجه التزام در اختیار متعهد باشد، دادرس باید مفاد

^۱ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، کتابخانه گنج دانش، چاپ ۵، شماره ۵۹۳۴، ۱۳۸۵، ص ۷۵۴.

^۲ حسین آبادی، امیر، «تعادل اقتصادی در قرارداد»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷، شماره ۲۱ و ۲۲، ص ۱۲۰.

^۳ اسکینی، ربیعا، *مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل*، چاپ اول، تهران: نشر دانش امروز، ۱۳۷۱، ص ۶۳.

^۴ کاتوزیان، ناصر، *الزامهای خارج از قرارداد مسوولیت مدنی*، چاپ چهاردهم، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات، ۱۳۹۵.

قرارداد را محترم شمارد. بنابراین پذیرش فرض وجود خیار برای متعهد مغایر با قاعده لزوم و خصوصیت تضمینی «شرط وجه التزام» است.

راهکار عسر و حرج مستأجر در تخلیه و تحویل مورد اجاره

براساس قاعده فقهی عسر و حرج، هرگاه در نتیجه اجرای حکم یا حقی ایجاد مشقت و دشواری نامتعارفی برای شخص ایجاد گردد، به حکم ثانویه آن امر از عهد شخص ساقط و فرد از اجرای تکلیف معاف می‌شود. درباره ملاک عسر و حرج فقها بیان داشته‌اند: آنچه می‌تواند ملاک تشخیص عسر و حرج باشد تشخیص عرف است؛ یعنی باید تکلیفی را حرجی دانست که اجرای آن برای مکلف عادتاً دشوار باشد؛ یعنی انجام دادن عمل مستلزم مشقتی باشد که عرفاً مردم آن را قابل تحمل نمی‌دانند.^۱ قاعده نفی عسر و حرج از جمله قواعدی است که در برخی از قوانین ما به صراحت و در بسیاری از قوانین دیگر به صورت تلویحی به این قاعده اشاره شده است. در مورد نکاح و قانون روابط موجر و مستأجر قاعده عسر و حرج صراحتاً مورد تأکید است. در ارتباط با عقد اجاره باید بیان داشت که قوانین روابط موجر و مستأجر در قوانین کشورهای مختلف بنا به دلایلی از جمله طولانی و مستمر بودن این عقد و تغییر و تحولات زمان اجرای عقد و نیز موقعیت نابرابر موجر و مستأجر و گاه مشکلات اقتصادی از حالت و جایگاه استثنایی و گاه آمرانه برخوردار است که قانون ایران سرآمد آن به‌شمار می‌آید. مطابق آنچه در بالا ذکر شد، در صورتی که موجر بخواهد از حق تخلیه خود سوءاستفاده کند، مستأجر به استناد عسر و حرج که البته باید به تأیید دادگاه برسد می‌تواند از اعمال حق وی جلوگیری کند. البته ذکر این نکته ضروری است که عدم تخلیه ملک مورد اجاره اصولاً تا زمان وجود مشقت است و در صورتی که دشواری و مشقت وجود نداشته باشد، نمی‌توان حق تخلیه موجر را محدود کرد. از سوی دیگر مستأجر فقط تا زمانی می‌تواند از عسر و حرج بهره‌مند شود و حق تخلیه موجر را محدود کند که امکان رفع عملی موقعیت مشقت بار ممکن نباشد. والا اگر امکان پذیر باشد نمی‌توان حق موجر را محدود کرد. به‌هرحال با استفاده از راهکار عسر و حرج در قراردادها که مصادیق آن کم نیست، می‌توان از موارد سوءاستفاده از حق قراردادی کاست. امروزه می‌توان به موضوع کرونا و بخشنامه‌های قوه قضائیه مبنی بر عدم دستور تخلیه اشاره کرد.

اعطای حق فسخ در عقود مستمر

در عقود مستمر مطالبه اجرای حقوق و تعهدات قراردادی در شرایطی که در اثر تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد وضعیت یکی از طرفین قرارداد دگرگون شده، سوءاستفاده از حق قراردادی است. هرچند که برطرف قرارداد بر طبق قرارداد حق مطالبه اجرای تعهدات قراردادی را دارد، مطالبه آن در شرایط تغییر یافته مصادیقی از سوءاستفاده از حق قراردادی است؛ چراکه اجرای قرارداد در این شرایط تا مرز بی‌عدالتی پیش می‌رود. به‌هرحال در قراردادهای مستمر ایجاد حوادث پیش‌بینی نشده و غیرمتعارف، وضعیت طرفین را دچار اختلال می‌کند و باعث دگرگونی شرایط قرارداد می‌گردد؛ چون در عقود مستمر دامنه اجرای تعهدات طولانی است؛ در نتیجه تأثیر حوادث پیش‌بینی نشده در آنها بیشتر است و اگر در این شرایط قائل به اجرای قرارداد و حقوق و تعهدات ناشی شده از آن بود، شرایط دشواری برای متعهد ایجاد می‌شود. پس در

^۱ محقق داماد، سید مصطفی، جلیل قنوتی، سید حسن وحیدی و ابراهیم عبدی پور، *حقوق قراردادها در فقه امامیه*، جلد ۱، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۳۲۶.

این شرایط یا باید قرارداد را تعدیل کرد و از تعهدات طرفین کاست یا اینکه امکان فسخ قرارداد را فراهم کرد؛ یعنی در این موارد اگر وصف الزام آور عقد از بین برود دو راه حل وجود دارد: یا قاضی باید شرایط قرارداد و اجرای تعهدات را با شرایط تغییر یافته منطبق کند یا در صورت عدم امکان تعدیل، حکم به جواز فسخ توسط متعهد را بدهد.^۱

راهکار فوریت خیار

استفاده از راهکار فوریت اعمال خیار بعد از ثبوت خیار یا علم به وجود و ثبوت آن کمک شایانی به کاهش موارد سوءاستفاده از حق قراردادی می‌کند. در قانون مدنی تعداد اختیارات ۱۰ مورد بیان شده که از میان اختیارات ذکر شده در فقه و قانون مدنی به فوری بودن اعمال برخی از اختیارات اشاره شده است. در ماده ۱۱۳۱ ق. م. در ارتباط با فسخ نکاح بیان شده است: «خیار فسخ فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع به علت فسخ، نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط می‌شود، به شرط اینکه علم به فوریت آن داشته باشد». در نتیجه در مورد اختیارات ذکر شده صاحب خیار باید بعد از ثبوت خیار یا علم به وجود خیار آن را اعمال کند والا خیار وی ساقط می‌شود. به طور مثال اگر شخصی مالی را مورد معامله قرار دهد و بنا به هر دلیلی در زمان انجام معامله مغبون شود و علم به غبن داشته ولی آن را اعمال نکند، نمی‌تواند بعد از گذشت مدت طولانی از زمان علم غبن مدعی وجود خیار و فسخ معامله باشد. در مورد سایر اختیارات نیز به همین شکل است؛ یعنی بعد از گذشت مدتی نمی‌توان مدعی وجود خیار (فرضا تدلیس، عیب) باشد. باید یادآور شد که مقصود از فوری بودن اعمال خیار مفهوم ریاضی و فیزیکی آن نیست و هر درنگ خیار را ساقط نمی‌کند، بلکه هدف این است که در نخستین فرصت ممکن حق خیار اعمال شود. مهلتی که انسان متعارف در آن شرایط کاری بی‌درنگ انجام می‌دهد و از خیار استفاده می‌شود. در نتیجه باید مهلت اجرای خیار را فوریت عرفی نامید؛ چنانچه در پایان ماده ۱۱۳۱ ق. م. در مورد فسخ نکاح بیان شده است: «تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از خیار لازم بوده به نظر عرف و عادت است». نقطه آغاز این مهلت کوتاه از لحظه‌ای است که زیان دیده از وضع خود آگاه می‌شود و درمی‌یابد مغبون شده یا او را به تدلیس فریفته‌اند یا عیب پنهان کالا آشکار می‌شود و او را به خود می‌آورد؛ زیرا درنگ بی‌جا در چنین وضعی اماره اسقاط حق است، اما درنگ باید آگاهانه باشد، والا اگر آگاهانه نباشد باعث سقوط حق خیار نیست.^۲ اما درنگ در اجرای حق پس از آگاهی صاحب حق به ضرر طرف دیگر است و با لزوم عقد منافات دارد؛ به علاوه دارنده خیار با تأخیر در اجرای خیار و اقدام به ضرر خود در مقتضی ایجاد خیار و نفی لزوم عقد تردید به وجود آورده، استناد به استصحاب را منتفی می‌کند.^۳

قاعده الحاکم ولی الممتنع

یکی از قواعد فقهی پرکاربرد که می‌تواند نقش مؤثری در زمینه کاهش موارد سوءاستفاده از حق قراردادی داشته باشد، قاعده «الحاکم ولی الممتنع» است. در فقه در مباحث گوناگونی به نقش حاکم در روابط حقوقی تصریح شده است که از آن جمله می‌توان به مسئولیت حاکم در قبال مولی علیهم، پرداخت مالیات به حاکم، قبض مال موقوفه در صورت وقف بر مصالح عامه در صورت عدم وجود متولی، بیع حاکم از جانب مولی علیه، مسئولیت حاکم در صورت محجوریت و ولایت

^۱ صادقی مقدم، محمد حسن، «مطالعه تطبیقی تاثیر اوضاع و احوال بر قرارداد و راه حل حقوق ایران»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۸، شماره ۲۵، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸.

^۲ کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، منبع پیشین، ص ۳۳۵.

^۳ انصاری، مسعود، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد ۱، انتشارات مه‌ارت، ۱۳۸۴.

حاکم در نکاح می‌توان اشاره کرد. براساس این قاعده فقهی هر جا که صاحب حق، مال و غیره از پذیرش آن امتناع کند، شخص متعهد می‌تواند با در اختیار قراردادن آن حق یا مال در اختیار حاکم یا قائم مقام وی خود را از مسئولیت بری سازد. در واقع براساس این قاعده حاکم، قائم مقام شخص ممتنع محسوب می‌شود و تسلیم حق به او در حکم تسلیم به شخص ممتنع است. در فقه به مواردی از استعمال این قاعده اشاره شده است: به‌طور مثال درباره عقد کفالت بیان شده است که کفیل باید مکفول را در مکان تعیین شده و در سر رسید تحویل دهد یا در صورتی که کفالت حال باشد بعد از درخواست مکفول له، مکفول را تحویل دهد. حال اگر مکفول له از تحویل گرفتن مکفول خودداری کند، کفیل مکفول را تحویل حاکم می‌دهد و در این صورت بری الذمه محسوب می‌گردد.^۱ تجلی این قاعده فقهی در قانون مدنی در ماده ۲۷۳ ق.م.ا است. این ماده بیان می‌دارد: «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع سازد متعهد به وسیله به تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام وی بری می‌شود و از تاریخ این اقدام مسئول خسارتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید نخواهد بود». این ماده جزء قواعد عمومی قرارداد است و در هر موردی که شخصی از قبول حق امتناع کند کاربرد دارد. ذکر این نکته ضروری است که برای استفاده از مقررۀ این ماده لازم است که صاحب حق از قبول آن امتناع ورزد و اثبات امتناع او برعهده مدعی است؛ در نتیجه شخص نمی‌تواند بدون امتناع صاحب حق، آن را در اختیار حاکم قرار دهد، بنابراین بدهکار یا ثالثی که مایل به اجرای تعهد است، باید نخست در محل پرداخت به طلبکار یا صاحب حق مراجعه کند و پیشنهاد تأدیۀ خود و امتناع صاحب حق را با ارسال اظهارنامه رسمی یا تأمین دلیل مسجل سازد و آن‌گاه برای پرداخت به حاکم یا قائم مقام او مراجعه کند، والا صرف تسلیم به حاکم مسئولیت او را از بین نمی‌برد و دین و حق ساقط نمی‌شود.^۲ لازم به ذکر است که در این مورد، یعنی امتناع، نباید علت خارجی و قوه قاهره مانع از تحویل گرفتن باشد. والا اگر علت خارجی مانع باشد تحویل به حاکم کافی برای برائت نیست. به‌رحال با استفاده از این راهکار، چنانچه صاحب حق بخواهد با امتناع از دریافت حق خویش موجبات سوءاستفاده از حق قراردادی را فراهم کند، بعد از اثبات امتناع، حق را در اختیار حاکم قرار می‌دهد و به این وسیله از ابزاری مؤثر در جهت خنثی‌سازی نیت و قصد صاحب حق برمی‌آید. این سوال ممکن است مطرح شود که برای جلوگیری از سوءاستفاده از حق قراردادی، اگر قرار باشد حق در اختیار حاکم قرارگیرد منظور از حاکم چه کسی است؟ به‌عنوان مقدمه باید ذکر کرد که در عرف دادرسی اسلامی به تطبیق‌دهندۀ شریعت در مقام قضاوت میان مردم حاکم می‌گویند.^۳ امروزه وظیفۀ مهم حاکم مسئولیت‌های است که در جهت حمایت از اشخاص و افراد برای وی در نظر گرفته شده است و از این حیث مدعی‌العموم یا دادستان این وظایف را برعهده دارند. در نتیجه در بحث ما با دادن حق به دادستان شخص بری می‌شود. علاوه بر دادستان در حال حاضر صندوق دادگستری و صندوق ثبت اسناد برای پرداخت وجوه که دادن پول و حق به آنها در حکم تسلیم به حاکم است و باعث برائت شخص می‌شود.

نتیجه‌گیری

محوری‌ترین و اساسی‌ترین نتیجه این پژوهش، ارائه معیار و مبنای ارائه معیار و مبنا برای سوءاستفاده از حقوق قراردادی است که به بررسی آن پرداخته شده است. در عمل برای اینکه معلوم شود از حقی سوءاستفاده شده ارائه یک معیار و ملاک سنجش و ارزیابی لازم است که با در نظر گرفتن بتوان مشخص ساخت که سوءاستفاده از حقوق قراردادی به وقوع پیوسته

^۱ امینی، علیرضا و سیدمحمدرضا آیتی، *تحریرالروضه فی شرح المعه*، جلد ۲، انتشارات مؤسسه طه، ۱۳۸۲، صص ۲۴۴-۲۴۳.

^۲ کاتوزیان، ناصر، *دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت*، منبع پیشین.

^۳ انصاری، مسعود و محمدعلی طاهری، *دانشنامه حقوق خصوصی*، جلد ۱، تهران: انتشارات محراب، ۱۳۸۴، ص ۸۰۷.

است. نتایج پژوهش حاکی از وجود چهار معیار برای سوءاستفاده از حقوق قراردادی است که در اغلب کشورها نیز یکی یا دو مورد از این معیارها به عنوان سوءاستفاده از حقوق قراردادی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند که این معیارها عبارت‌اند از: ۱- معیار قصد اضرار، ۲- معیار حسن‌نیت در اجرای قراردادها، ۳- معیار تجاوز به هدف و غایت اجتماعی حقوق، ۴- معیار تقصیر در اجرای حق. معیار قصد اضرار در اکثر نظام‌های حقوقی به عنوان معیار و ملاک مورد پذیرش، در ارتباط با سوءاستفاده از حق قبول قرار گرفته، حتی در ایران در ارتباط با سوءاستفاده از حق در معنای عام همین معیار پذیرفته شده است. اما در ارتباط با سوءاستفاده از حق قراردادی این معیار نمی‌تواند مورد پذیرش به صورت کامل باشد. معیار حسن‌نیت در اجرای قرارداد هر چند ملاکی قابل انعطاف است، به دلیل این امر که در ساختار حقوقی ایران پذیرفته نشده است نمی‌تواند به عنوان معیار مورد پذیرش باشد. از میان این معیارها، معیار تقصیر در اجرای حق مقبولیت و تناسب بیشتری در مقایسه با سایر مبانی حقوق ایران دارد و به عنوان معیار و ملاک اصلی در ارتباط با سوءاستفاده از حقوق قراردادی مورد پذیرش قرار گرفته است و در کنار آن معیار تجاوز به هدف و غایت اجتماعی نیز به عنوان معیار مکمل در ارتباط با برخی از حقوق خصوصاً حقوق خانواده مورد توجه قرار گرفت. از دیگر محورهای این پژوهش بررسی موارد مبتلا به و کثیر الوقوع سوءاستفاده از حقوق قراردادی در عقود و قراردادهاست که نتایج روشنی به همراه داشته است. به هر حال ضروری است که در کنار ارائه معیار سوءاستفاده از حق قراردادی، این معیار با مصادیق سوءاستفاده از حقوق قراردادی مورد تحلیل قرار گیرد؛ این امر در این پژوهش انجام پذیرفت و در کنار ارائه مصادیق بارز از سوءاستفاده از حقوق قراردادی سعی شد معیار مناسب آن بیان شود تا هم به درک عمیق‌تر مصداق ارائه‌شده و مبنای آن کمک کند. از بررسی مصادیق سوءاستفاده از حق قراردادی نتایج ذیل حاصل شد:

الف: اصولاً در زمینه سوءاستفاده از حقوق قراردادی، عقود قراردادهای به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. قراردادهایی که در آنها شخصیت طرف مقابل یکی از علل انعقاد قرارداد و واگذاری و ایجاد حق در قرارداد است؛ به طور مثال حقوق ناشی از نکاح که شخصیت طرفین یکی از ویژگی‌های بارز در نکاح است.
 ۲. قراردادهای مرتبط با امور مالی که در آنها شخصیت طرف دیگر عقد دارای اهمیت نیست و موضوع آن مرتبط با اموال است. در قراردادهای گروه اول مبنای سوءاستفاده از حقوق قراردادی در بیشتر مصادیق تجاوز به هدف اجتماعی حق است؛ در حالی که گروه دوم مبنای سوءاستفاده از حقوق قراردادی تقصیر در اجرای حق بوده است. ب: در بیشتر قراردادهای طرفین و قانون‌گذار حقوقی را برای خود یا یکی از طرفین درج می‌کنند و صراحتاً به صورت تلویحی به این حقوق در قراردادهای اشاره می‌کنند؛ به طور مثال در قرارداد بیع طرفین می‌توانند بر درج حق فسخ به صورت صریح توافق کنند؛ اما در برخی از قراردادهای مانند قراردادهای با شروط کاهش‌دهنده یا قراردادهای با وجه التزام نامتناسب، در هنگام انعقاد قرارداد حق و حقوقی برای طرفین درج نمی‌شود، اما بنا بر ماهیت این قراردادهای در جریان اجرای آنها ایجاد می‌شود، در نتیجه لازم نیست که حتماً حق در قرارداد درج شود، بلکه برخی از حقوق در جریان اجرای قرارداد ایجاد می‌شود.
- به هر حال چگونگی اعمال حق بستگی به نگرش صاحب حق در مورد چگونگی اعمال حق دارد، در نتیجه تقصیر در اجرای حق اگر منجر به ورود ضرر شود بحث ضمانت اجرا مطرح می‌شود و نتیجه آن دستیابی به نتایج سودمند بوده است که برخی از این ضمانت‌اجراها می‌تواند هم در مورد جبران خسارت به کار گرفته شود و هم راهکاری در جهت کاهش موارد سوءاستفاده از حقوق قراردادی در مرحله اجرا مورد امعان نظر باشد. ضمانت اجرای سوءاستفاده از حق قراردادی می‌تواند شامل اقداماتی همچون جبران خسارت، ایجاد حق فسخ و تعدیل قرارداد، و بطلان قرارداد باشد.

منابع

کتاب

۱. اسکینی، ربیعا، *مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل*، چاپ اول، تهران: نشر دانش امروز، ۱۳۷۱.
۲. امینی، علیرضا و سیدمحمدرضا آیتی، *تحریرالروضه فی شرح المعه*، جلد ۲، انتشارات مؤسسه طه، ۱۳۸۲.
۳. انصاری، مسعود و محمدعلی طاهری، *دانشنامه حقوق خصوصی*، جلد ۱، تهران: انتشارات محراب، ۱۳۸۴.
۴. انصاری، مسعود، *دانشنامه حقوق خصوصی*، جلد ۱، انتشارات مهارت، ۱۳۸۴.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، کتابخانه گنج دانش، چاپ ۵، ۱۳۸۵.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مجموعه محشی قانون مدنی*، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷.
۷. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی اعمال حقوقی، قرارداد و ایقاع، دوره مقدماتی حقوق مدنی*، چاپ دوازدهم، انتشارات میزان، ۱۳۸۵.
۸. کاتوزیان، ناصر، *دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت*، تهران: میزان، ۱۳۸۶.
۹. کاتوزیان، ناصر، *الزامهای خارج از قرارداد مسوولیت مدنی*، چاپ چهاردهم، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۵.
۱۰. محقق داماد، سید مصطفی، جلیل قنواتی، سید حسن حسن وحدتی و ابراهیم عبدی پور، *حقوق قراردادها در فقه امامیه*، جلد ۱، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۱. نبوی‌زاده، آیت‌الله، *سوء استفاده از حق در حقوق قراردادی*، عباس کریمی (مقدمه)، چاپ اول، تهران، جنگل جاودانه، ۱۳۹۰.

مقاله

۱۲. اصغری آقمشهدی، فخرالدین و حمیدرضا ابوئی، «حسن نیت در انعقاد قرارداد در حقوق انگلیس و ایران»، *مجله حقوق خصوصی*، ۱۳۸۷، شماره ۱۲، صص ۵۰-۲۹.
۱۳. حسین آبادی، امیر، «تعادل اقتصادی در قرارداد»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷، شماره ۲۱ و ۲۲.
۱۴. صادقی مقدم، محمدحسن، «مطالعه تطبیقی تاثیر اوضاع و احوال بر قرارداد و راه حل حقوق ایران»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۱۸، شماره ۲۵، ۱۳۷۹، صص ۲۲۲-۱۶۱.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، «تفسیر قرارداد»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، زمستان ۱۳۸۴، صص ۳۰۸-۲۷۷.

References

Books

1. Amini, Alireza, Seyyed Mohammadreza Ayati, Tahrir al-Rawza fi Sharh al-Loma, Vol 2, Taha Institute Publication, 2003. (In Persian)
2. Ansari, Masoud, Encyclopedia of Private Law, Vol. 1, Maharat Publication, 2005. (In Persian)

3. Ansari, Masoud, Mohammad Ali Taheri, *Encyclopedia of Private Law*, Vol. 1, Tehran: Mehrab Publication, 2005. (In Persian)
4. Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar, *Annotated Civil Code of Iran*, 1st Edition, Tehran: Ketabkhaneh Ganj-e- Danesh, 2008. (In Persian)
5. Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar, *Terminology of Law*, 5th Edition, Ketabkhaneh Ganj-e- Danesh, 2006. (In Persian)
6. Katouzian, Nasser, *Elementary Courses of Iranian Civil Law: Juristic Acts (Contracts and Unilateral Acts)*, 12th Edition, Mizan, 2006. (In Persian)
7. Katouzian, Nasser, *Extra-Contractual Obligations: Civil Liability*, 14th Edition, Tehran: University of Tehran Publication Institute, 2016. (In Persian)
8. Katouzian, Nasser, *Introductory Course of Civil Law: Property and Ownership*, Tehran: Mizan, 2007. (In Persian)
9. Mohaghig Damad, Seyyed Mustafa, Jalil Qanawati, Seyed Hassan Vahdati Shobairi, Ebrahim Abdipour, *Contract Law in the Imamieh Jurisprudence*, Vol. 1, 1st Edition, 2000. (In Persian)
10. Naboizadeh, Ayatollah, *Abuse of Rights in Contractual Rights*, with Abbas Karimi Introduction, 1st edition, Tehran, Jangal Javadane, 2011. (In Persian)
11. Skini, Rabia, *Discussions of International Trade Law*, 1st Edition, Tehran: Danesh Amooz, 1992. (In Persian)

Articles

12. Asghari Aghmashedi, Fakhreddin, Hamidreza Aboui, "Good Faith in Contract Formation in English and Iranian Law", *Private Law Journal*, No. 12, 2008. (In Persian)
13. Hossein Abadi, Amir, "Economic Balance in Contract", *Legal Research*, No. 21 & 22. 1998. (In Persian)
14. Karimi Abbas, "Abusive Clauses and Control of Contractual Imbalance by Common Contract Law", *Journal of Law and Politics*, Graduate School of Law & Political Science, Azad University of Tehran, Vol. 1, 2007. (In French)
15. Katouzian, Nasser, "Contract Interpretation", *Journal of Law and Political Science*, Vol. 70, No. 845, 2005. (In Persian)
1. Sadeghi Moghadam, Mohammad Hassan, "A Comparative Study of the Effect of Changing Conditions on the Contract and the Solution of Iranian Law", *International Law Review*, Vol. 18, Issue 25, 2000. (In Persian)

*This page is intentionally
left blank.*